

مردی با چشمان حادثه ساز – قسمت دوازدهم

قتل مرد باران ساز



محمّد بلوری
روزنامه‌نگار

صبح، باران تند و بی‌امان می‌بارید و باغ‌ها و کشتزارهای تشنه را سیراب کرد. ابرهای سیاهی بر سینه آسمان با غرش و رعدوبرق درهم می‌پیچیدند و طوفان گاه به گاه رگباری را به سینه در و دیوار می‌کوباند. میدان مقابل تکیه؛ بچه‌ها لخت با تنبانی برپا از شوق سیلاب کف آلودی در پی هم می‌دویدند، بر سر و روی هم آب می‌پاشیدند و نام کاظم آقای باران‌ساز را فریاد می‌زدند. اما ریش‌سفیدهای آبادی در ایوان تکیه یله به دیوار داده بودند، از غم گم شدن کاظم آقا با نگاهی افسرده کودکان وسط میدان را تماشا می‌کردند و خاموش بودند. پایین ایوان، مادپایکی که مرد باران‌ساز با شئل سرخ مخصوص شمر و کلاه بوقی اش هفته‌ها در کوی و بیزن مرادآباد به طلب باران گردانده بود حالا خمیده پایین ایوان غمزده به نظر می‌آمد. کدخدا و ریش‌سفیدهای دیگر نگران مرد بدشگون بودند که از روز قبل تا شروع بارش مرد باران ساز نام گرفته بود. پیام‌رسانی را به خانه‌اش فرستادند تا ببینند که دیشب به خانه‌اش نرفته و کسی هم در آبادی او را ندیده‌است. بچه‌ها را به گشت و پرس وجو فرستادند اما هیچ‌کس خبر و نشانی از او نیاورد و خبر حادثه گم شدن کاظم باران‌ساز همه‌جا پیچید در حالی که هرکس درباره سرنوشت‌اش داستانی نقل می‌کرد. عصر آن روز معلم دبستان آبادی پس از تعطیلی مدرسه به دیدن سرپرست درمانگاه رفت تا برای روشن شدن سرنوشت آقاکاظم باران‌ساز از این دانشجو کمک بخواهد.

سهراب در اتاق خواب و استراحتش سرگرم مطالعه یک کتاب دانشگاهی‌اش بود که از پشت شیشه خیس پنجره نگاهش به خاتم معلم در خیابان افتاد که از پله‌های درمانگاه بالا می‌آمد. سهراب با دلهره‌ای شورانگیز اتاق بهم‌ریخته‌اش را مرتب کرد، مقابل آیینه دستی به موهای پریشان‌ش کشید و زیر لب گفت: – اوه... بانوی زیبای این آبادی داره میاد به دیدنم. باور کنم؟ خواب که نمی‌بینم؟

صدای پای خانم معلم را از راهرو شنید، دختری که رؤیای شیرین شبانه‌اش بود... خم شد. با شتاب ملحفه را روی تختخواب بهم ریخته‌اش کشید. دودیت تا در را به رویش باز کند. به فکر افتاد! چی شده به دیدنم آمده؟ با دیدن خانم معلم دست و پایش را گم کرده بود، با نگرانی پرسید: سلام! چی شده بانو؟ حادثه‌ای پیش آمده؟ با لحنی عذرخواهانه ادامه داد: آه... ببخشید من را، بفرمایید تو.

ادامه دارد

ماجرای مرگ راننده فراری در عسلویه

گروه حوادث/ راننده‌ای که بدون توجه به فرمان ایست پلیس در مسیر خلاف جهت خودروها حرکت می‌کرد در عملیات تعقیب و گریز به ضرب گلوله مأموران کشته شد.

سرهنگ فتاحی فرمانده انتظامی شهرستان عسلویه درباره مرگ این راننده گفت: روز جمعه مأموران انتظامی شهرستان عسلویه متوجه خودرویی شدند که خلاف جهت حرکت خودروها با سرعت بالا در حرکت است که پلیس به این خودرو مشکوک شده و با هشدار و دستور ایست قصد توقف آن را داشت اما راننده توجهی به هشدار مأموران نکرده و با افزایش سرعت، قصد داشت با زیر گرفتن مأموران اقدام به فرار کند. پس از طی مسافتی مأموران پلیس مجبور به استفاده از سلاح شدند و در ابتدا با رعایت قانون به کارگیری سلاح اقدام به تیراندازی هوایی کردند، ولی باز راننده خودرو توجهی به هشدار پلیس نکرد، در این مرحله مأموران پلیس به قصد شلیک به لاستیک و توقف خودرو تیراندازی کرده اما گلوله کمانه کرده و به راننده خودرو برخورد می‌کند و باعث فوت وی می‌شود. به‌گزارش روابط عمومی پلیس بوشهر، فرمانده انتظامی شهرستان عسلویه با بیان اینکه وی فردی سابقه‌دار بوده و در سال گذشته نیز موادمخدر از وی کشف شده بود، تصریح کرد: به‌منظور روشن شدن ابعاد مختلف این حادثه، تا وصول دستورات قضایی موضوع توسط کارشناسان مربوطه در حال بررسی است.

۲۴ خودرو در پارکینگ آتش گرفت



گروه حوادث: آتش‌سوزی در پارکینگ عمومی شهرستان پردیس، ۲۴ خودرو را سوزاند.

به‌گزارش مرکز اطلاع‌رسانی ستاد فرماندهی انتظامی شرق استان تهران، سردار کیومرث غریزی، فرمانده انتظامی شرق استان تهران گفت: با اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع آتش‌سوزی در پارکینگ عمومی شهرستان پردیس، بلافاصله مأموران انتظامی و آتش‌نشانی به محل اعزام شدند؛در بررسی به‌عمل آمده از محل حادثه مشخص شد که پارکینگ عمومی پردیس به دلایلی نامعلوم دچار حریق شده و ۲۴ خودروی سواری و وانت‌بار دچار آتش‌سوزی شده و خساراتی به آنها وارد شده است.

انفجار پاوربانک خودرو را سوزاند

گروه حوادث/ یک دستگاه پاوربانک که داخل خودرو زیر تابش مستقیم نور خورشید قرار داشت منفجر شد و خودرو آتش گرفت. محمد مهدی مسلیون رضوی مسئول روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری نیشابور به ایسنا گفت: این حادثه ظهر روز جمعه رخ داد و بررسی کارشناسان نشان می‌دهد پس از آنکه این خودرو در معرض تابش مستقیم خورشید قرار گرفته بود یک دستگاه پاوربانک که داخل خودرو بود بر اثر گرما و داغ شدن منفجر شد،البته مالک خودرو با اقدام به‌موقع و با استفاده از یک دستگاه خاموش‌کننده دستی آتش را مهار کرده و مانع خسارت جدی شده است. وی ادامه داد: با توجه به اینکه خودرو در محل، پارک بوده و سرنشینی داخل خودرو حضور نداشته این حادثه هیچ‌گونه خسارت جانی در پی نداشته و فقط در اثر آن، شیشه جلو خودرو شکست و به داشبورد، روکش فرمان و همچنین سقف خودرو خساراتی وارد شد.

▪ یکشنبه ۱ تیر ۱۳۹۹
▪ سال بیست و ششم
▪ شماره ۷۳۷۳

رهایی مرد همسرکش از مجازات مرگ

▪ **بازسازی صحنه قتل**

با اعتراف متهم به جنایت؛ او به بازسازی صحنه قتل همسرش پرداخت و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد. متهم پای میز محاکمه، خواهان بخشش اولیای دم شد. اما خانواده کبری قصاص خواستند و باتوجه به درخواست آنها، مدارک و شواهد موجود در پرونده، اعتراف متهم به قتل و بازسازی صحنه جنایت، قضات دادگاه او را به قصاص محکوم کردند.

دعوا بالا گرفت و من سعی کردم او را آرام کنم اما بی‌فایده بود، حتی با مشت محکم به پهلوئ من زد. از شهریار اعلام شد. با حضور تیم جنایی در محل حادثه آنها با جسد زن ۳۲ ساله در حمام مواجه شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود.

همسر کبری که در صحنه جنایت حضور داشت در همان تحقیقات اولیه به قتل همسر خود اعتراف کرد و گفت: کبری همسر سومم بود. آن روز برای دیدن دخترم به خانه همسر

قاتل مادر بزرگ در بیمارستان جان باخت

گروه حوادث/ پسر معتاد که در جریان سرقت از خانه پدر بزرگش مسرووی را به قتل رسانده بود

۷ روز پس از بستری شدن در بیمارستان تسلیم مرگ شد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ساعت ۴:۳۰ عصر پنجشنبه ۲۲ خرداد و با گزارش مرگ زن میانسانی در طبقه دوم ساختمان محل زندگی‌اش در خیابان خزانه آغاز شد. به‌دنبال اعلام این خبر بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل حادثه شدند. با ورود به محل آنها با جسد زن میانسال و بدن نیمه جان همسرش مواجه شدند. به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت مرد میانسال برای درمان به بیمارستان منتقل شد.

از آنجا که خانه بهم ریخته و گوشواره‌های

معمای جسد سوخته کنار بزرگراه

گروه حوادث/ همزمان با کشف

جسد سوخته یک زن کنار بزرگراه باقری در شرق تهران تحقیقات برای رازگشایی از این جنایت آغاز شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۰:۱۰ صبح پنجشنبه گذشته مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و از کشف جسدی در انتهای بزرگراه باقری خبر داد. با اعلام این خبر بازپرس کشیک قتل پایتخت و کارآگاهان اداره دهم

پلیس آگاهی پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل حادثه شدند.

نخستین بررسی‌ها نشان می‌داد که محل کشف جسد، باتوق معتادان خیابانی بوده است. مردی که جسد را پیدا کرده بود به مأموران کلانتری ۱۳۶ تهرانپارس گفت: با خودروام در بزرگراه می‌رفتم که بنزین خودروام تمام شد می‌خواستم از خودروهای عبوری بنزین بگیرم اما ظرف

نداشتم به همین خاطر به‌دنبال پیدا کردن ظرف به سمت حاشیه بزرگراه رفتم و در جست و جو بودم که ناگهان با جسد سوخته‌ای مواجه شدم.

در ادامه بررسی‌ها مشخص شد که جسد متعلق به زنی حدود ۳۰ تا ۳۵ ساله است و از زمان مرگ بیش از ۴۸ ساعت می‌گذرد. زن جوان لباس‌های بیرون به تن داشت و از آنجایی که دو گردنبند و انگشتر

طلای او سرقت نشده بود فرضیه جنایت به خاطر سرقت رنگ باخت. در تحقیقات میدانی چند پوکه فشنگ و تکه‌ای از اسلحه کلت کمری شکسته پیدا شد. واحدی بازپرس شعبه یازدهم دادسرای امور جنایی پایتخت دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی و مشخص شدن علت مرگ را صادر کرد. همچنین فشنگ‌ها ی تکه شکسته اسلحه به آزمایشگاه فیزیک جنایی منتقل شد.

قصاص و دیه ۵۰۰ میلیونی برای مرد اسیدپاشی

گروه حوادث/ مردی که برای انتقام از همکارش اقدام به اسیدپاشی کرده و با حکم دادگاه به قصاص و دیه محکوم شده بود به‌خاطر ناتوانی در پرداخت دیه از قضات شعبه ۴ دادگاه کیفری درخواست اعسار کرد. به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران» رسیدگی به این پرونده از ۱۹ فروردین سال ۹۱ با گزارش یک اسیدپاشی در یکی از ادارات دولتی آغاز شد و مأموران پس از مراجعه به محل متوجه شدند که متهم به قصد انتقامجویی چند لیتر اسید را روی نظافتچی محل کارش پاشیده و چندین ضربه چاقو هم به او زده و از محل متواری شده است که ۳ روز بعد متهم در شهر میروان دستگیر شد و به جرمش اعتراف کرد. نظافتچی هم که بر اثر شدت جراحات به کما رفته بود پس از ۴ماه به هوش آمد اما چشم راست، لاله گوش راست، بینی و لب فوقانی‌اش را بر اثر سوختگی با اسید از دست داده بود.

پس از مدتی متهم در شعبه ۷۱ سابق دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد و به قصاص چشم و لاله گوش راست محکوم شد. او همچنین به‌خاطر سایر جراحاتی که به شاکي وارد کرده بود و امکان



قصاص آن وجود نداشت به پرداخت شش دیه کامل و یکسال زندان محکوم شد. در ادامه شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور این حکم را نقض و اعلام کرد با توجه به تخلیه کامل چشم راست شاکي امکان قصاص چشم وجود ندارد. از این‌رو پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه هم عرض فرستاده شد. در جلسه رسیدگی به این ماجرا شاکي و وکیل مدافعش به نظریه پزشکی قانونی اعتراض کردند.

شاکي در آن زمان عنوان کرد با اینکه پزشکی قانونی اعلام کرده امکان قصاص چشم ممکن نیست اما این حکم در مورد یک مرد اسیدپاش در پرونده‌ای دیگر انجام شده است و من هم فقط قصاص می‌خواهم.

در پایان جلسه هیأت قضایی اعتراض شاکي را پذیرفت و پرونده رابه کمیسیون عالی پزشکی قانونی فرستاد و پزشکی قانونی هم در نظریه جدید اعلام کرد که امکان قصاص چشم در حدی که موجب آسیب اضافه یا به خطر افتادن جان متهم نباشد مقدور است.

در پایان این جلسه هیأت قضایی وارد شور شدند و با توجه به نتیجه کمیسیون پزشکی قانونی حکم به قصاص چشم متهم دادند. حالا پس از ۸ سال متهم که به قصاص برخی از اجزای صورتش محکوم شده بود، با درخواست دیه ۵۰۰ میلیون تومانی از سوی شاکي روبه‌رو شد.

صبح دیروز متهم که برای ارائه درخواست اعسار به دادگاه کیفری منتقل شده بود درباره علت درگیری با مرد نظافتچی گفت: این مرد آبدارچی محل کارمان بود اما من می‌دیدم که او هر چه غذا و میوه را برای میهمانان اداره می‌گرفتم و اضافه می‌آمد مخفیانه به خانه می‌برد. من هم گزارش کارش را به مسئولش دادم. اما او متوجه شد و یک روز که من داخل اتاقم نبودم شماره تلفن پدر و مادر زلم و همچنین همسرم را از گوشی من برداشته بود و پس از تماس با آنها مدعی شده بود که من با زن دیگری در ارتباط هستم و همین مسأله باعث جدایی همسرم از من شد و من هم به قصد انتقامجویی به او اسید پاشیدم. حالا هم درخواست ۵۰۰ میلیون تومان دیه دارد که من نتوانایی پرداختش را ندارم و درخواست اعسار دادم. صبح دیروز رسیدگی به خواسته او در شعبه ۴ مورد بررسی قرار گرفت تا رأی نهایی برای درخواست متهم صادر شود.

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir